

"نکات آیات درس اول دین و زندگی یازدهم"

وَالْعَصْرِ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ، إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ

-از نظر جهان بینی اسلام همه در دنیا زیان می کنند. (چون عمر خود را از دست می دهند) و تنها راه برای جلوگیری از این خسران عظیم و زیان قهری و اجباری توصیه این است که ایمان آورند و اعمال صالح انجام دهند و یکدیگر را به طرفداری و انجام حق سفارش کنند و یکدیگر را به صبر و استقامت توصیه کنند و به این وسیله در برابر این سرمایه (عمر) سرمایه ای گرانبها تر و ارزشمندتر به دست آورند که نه تنها جای خالی آن سرمایه پر شود بلکه ده ها و صدهزار بار از آن بیشتر و بهتر باشد.

-با این که سفارش به حق و صبر جز اعمال صالح است ولی بخاطر اهمیت آن جداگانه بیان شده است.

-تنها راه جلوگیری از خسران و زیان عمل صالح است.

-به فکر خود بودن کافی نیست. مومن در فکر و رشد و تعالی دیگران است. **تَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ**

-ایمان بر عمل مقدم است چنانچه **جامه سازی بر خودسازی مقدم است.**

-بدون ایمان و عمل صالح و سفارش دیگران به حق و صبر خسارت انسان بسیار بزرگ است.

-جامع زمانی اصلاح می شود که همه ی مردم در امر به معروف و نهی از منکر مشارکت داشته باشند. هم پند دهند هم پند بپذیرند.

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا ۚ

-خداوند انسان هارا هدایت کرده و راه هدایت را به آنها نشان داده است.

-خداوند کسی را که انتخاب درستی نداشته و راهی را که برای هدایت او فرستاده است انتخاب نکرده ناسپاس نامیده است.

- علت ناسپاس شناخته شدن درچنین فردی این است که وی برنامه ی اطمینان بخش را دیده ولی از انتخاب آن سرپیچی کرده است. فرد مانند کسی است که درهنگام تشنگی ظرف آب گوارا را از دست دوست نگیرد و به بهانه ی این که انتخاب باخودم استجمام زهری را که ظاهرا شیرین است را بنوشد.

- فلسفه نبوت نشان دادن راه است و شکرگزاری یا کفران بوسیله قدرت اختیار انسان صورت می گیرد.

- پیمودن راه "دین" شکرالهی و انحراف از آن کفران یا ناسپاسی الهی است.

- کسانی که هدایت انبیا را نپذیرند بالاترین مرحله از کفر را مرتکب شده اند.

رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ لِنَاسٍ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَ كَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا

- اکنون که خداوند پیامبران را فرستاده و انسان هارا هدایت کرده کسی نمی تواند درقیامت بهانه و دستاویزی داشته باشد.

- با توجه به کلمات "عزیز" و "حکیم" می توان فهمید ارسال رسل از روی عزت و حکمت بوده است تا هرگونه عذر و بهانه ای برای هدایت نشدن انسان ساقط شود. (مسدود ماندن راه بهانه گیری) و حجت بر آدمی تمام شود. (اتمام حجت خداوند)

- یکی از وظایف انبیا "تبشیر" و "انذار" است که رد آیه بیان شده است.

- اگر انسان عاقلانه بیندیشد راه دستیابی برای همه ی نیازها برای وی مشخص می شود و دلیلی برای توجیه ناکامی ها ندارد.

- شیوه ی تبلیغ انبیا بر دو محور بیم و امید استوار است. (مبشرین و مبذرین)

- فلسفه بعثت پیامبران اتمام حجت خدا بر مردم است.

- چون خداوند عزیز و حکیم است هیچ کس حجتی بر او ندارد.

- خداوند با فرستادن پیامبران بشارت دهنده و انذار کننده راه هرگونه عذر و بهانه و اعتراض برای هدایت نشدن را بسته است و حجت را بر بندگان تمام کرده است.

وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا

- آب مایه ی حیات و اساس زندگی در جهان هستی است.
- سرچشمه پیدایش انسان و حیوانات آب است.
- انسان با آب نیازهای طبیعی و جسمی اش را برطرف می کند.

لِئَحْيِي بِهِ بِلْدَةً مَيًّا ۲

- آب مایه ی حیات و اساس زندگی در جهان هستی است.
- خداوند سرزمین (بلد) را به وسیله ی (باران) زنده می کند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ ۲

زندگی بخش و مایه

- دین یک دعوت زندگی بخش و مایه ی حیات است.
- مخاطب آیه مومنان هستند که زندگی و حیات آن ها در استجابت از دعوت خداوند و پیام آورش است.
- مقصود از حیاتی که با دعوت انبیا فراهم آید حیات فکری، عقلی و معنوی و اخلاقی و اجتماعی و بالاخره حیات و زندگی در تمام زمینه ها می باشد.
- شرط ایمان واقعی اجابت کردن دعوت خداوند و رسول است.
- حرکت در مسیر خدا و انبیا حیات واقعی است و کناره گیری از آن مرگ انسانیت است.
- کسی که به حضور و احاطه ی خداوند ایمان داشته باشد از دعوت پیامبران سرپیچی نمی کند.
- اجابت از دعوت خداوند و رسولان که همان دین الهی است اشاره به کشف راه درست زندگی از نیاز های برتر انسان دارند.